

## احوال شخصیه

از جمله مسائل مختلف فیه ارثی در بین مذاهب اسلامی یعنی طریقه جعفری از یک طرف و مذاهب اربعه از طرف دیگر موارد زیر است که سه فقره مهم آنها در مقاله قبلی ذکر شد.

رابعاً - دختر برادر و اولاد خواهر و اولاد برادر مادری در مذهب جعفری جزء طبقه دوم مندرج در ماده ۸۶۲ قانون مدنی ایران و هر یک از آنها حاجب افراد مشمول طبقه سوم مرقوم در همان ماده میباشد در صورتیکه در مذاهب اربعه تسنن هر یک از اشخاص مذکوره ذوی الارحام بوده بهر یک از اعمام که از طبقه سوم مزبور و همچنین بهر یک از افراد ذوی الفروض و عصبه محجوب میباشد.

خامساً - در مذهب جعفری افراد ما صدق طبقه سوم مذکور در یک درجه و همردیف هستند یعنی در مورد مورثیکه وارث او اعمام و عمات و اخوال و خالات یا اولاد هر یک از آنها باشد همه ارث میبرند در صورتیکه با وجود هر یک از اعمام که از عصبه است افراد بقیه اصناف مذکوره که عبارت از عمات و اخوال و خالات و اولاد آنها که از ذوی الارحام میباشند محجوب هستند.

سادساً - در مذهب جعفری بشرح ماده ۸۶۶ قانون مدنی ایران باین عبارت (ماده ۸۶۶ - در صورت نبودن وارث امرترکه متوفی راجع بحاکم است) و در کتب فقهی جعفری از جمله بشرح این عبارت (و مع عدم الوارث یرثه الامام) از کتاب مختصر النافع وقتی حاکم یعنی بیت المال وارث متوفی است که وارثی دیگر وجود نداشته باشد در صورتیکه در مذاهب اربعه اگر بیت المال منظم باشد بیت المال حاجب هر یک از افراد ذوی الارحام که عبارتند از:

- ۱ - پدر مادر ۲ - هر جد و جدّه که بوسیله اناث بمیت برسد ۳ - اولاد
- دختر ۴ - دختر برادر ۵ - اولاد خواهر ۶ - اولاد برادر مادری ۷ - عموی مادری
- ۸ - دختر عموی ۹ - عمه ها و اولاد آنها ۱۰ - خاله ها و اولاد آنها ۱۱ - دایی ها و اولاد آنها میباشد.

گرچه اطلاق عبارت ماده مزبوره و عبارت مرقومه از مختصرالمنافع بنی براینکه حاکم وقتی وارث معرفی شده که وارثی دیگر وجود نداشته باشد و دلیل براین است که وارث بودن بیت‌المال منوط بعدم وجود وارث دیگر است لکن از این عبارت :

(ولایرث ولاء امامه الامع فقد کل وارث عدالزوجہ فانها تشرکہ علی الاصلاح) از کتاب مرقوم معلوم میشود که اگر وارث میت منحصر به زوجہ یا زوجات او بود بنا بقول اصح در این مورد هم که وارث دیگری یعنی زوجہ و یا زوجات وجود دارد بر خلاف اطلاق مزبور باز بیت‌المال وارث است و ظاهراً این قول با اطلاق ماده مذکوره و عبارت (ومع عدم الوارث یرثه الامام) مرقومه منافات دارد مخصوصاً که در عبارت اخیر الذکر این قول اصح معرفی شده که در این صورت یا باید طلاق مزبوره را که ظاهراً بماده دیگری مقید نشده قول غیر اصح دانست و یا گفته شود که معرفی مزبور در کتاب مرقوم (بقول اصح) بنا بر این اشتباه است و یا باید توجیه کرد باینکه چون در مذهب جعفری زوجہ مطلقاً برد چیزی نمیرد و از این عبارت (باقی بصاحب فرض رد میشود مگر در مورد زوج و زوجہ که بآنها رد نمیشود لکن اگر برای متوفی وارثی بغیر از زوج نباشد زائد از فریضه باورد میشود) از ماده ۴۰۹ قانون مزبور مستنبط است که زوج وقتی از رد چیزی نمیرد که وارث دیگری وجود داشته باشد والا اگر وارث منحصر بزوجه باشد قبلاً فرض خود را میبرد و بعداً بقیه را برد می‌برد و در این صورت با بودن زوج همانطوریکه در کتاب مرقوم باین عبارت (والزوج اولی من بیت مال الامام) مصرح است بیت‌المال چیزی نمیرد ولی اگر وارث منحصر بزوجه بود چون زوجہ بارد چیزی نمیرد پس از اینکه سهم و فرض مقرر خود را ببرد بقیه حق بیت‌المال است که در این صورت منافات ظاهری که متصور است منتفی میباشد و میتوان با توجه به عبارت مرقوم در هر دو ماده و تلفیق آنها با عبارت (ولایرث ولاء امامه الامع فقد کل وارث عدالزوجہ فانها تشرکہ علی الاصلاح) از مختصرالمنافع حکم مذکور در ماده ۸۶۶ باقول اصح مرقوم منافات ندارد و باید معتقد شد باینکه در حقیقت اطلاق مصرح در ماده ۸۶۶ معناً بعبارة مذکوره از ماده ۴۰۹ مقید است.

در مذاهب اربعه علاوه از ذوی الفروض دو عنوان دیگر (همانطوریکه

در سابق با ذکر علت بیان گردید ( برای سایر ورثه یکی بعنوان ذوی الارحام مثل اصناف فوق و دومی بمشخصات زیر :

۱ - پدر که در بعضی موارد عصبه صرف و در برخی مواقع ذیفروض صرف و در مواردی دیگر هم از جهت عصبه بودن و هم از جهت ذیفروض بودن وارث است که در آتی هر یک از موارد مزبوره بیان خواهد شد .

۲ - پدر پدر و هر قدر بالاتر تصور شود مگر اینکه باجد مذکور اخوه یا اخوات جمع شوند .

۳ - پسر ۴ - پسر پسر تا هر درجه رو به پائین تصور شود ۵ - برادر ابوینی ۶ - برادر ابی ۷ - پسر برادر ابوینی ۸ - پسر برادر ابی ۹ - عموی ابوینی ۱۰ - عموی ابی ۱۱ - پسر عموی ابوینی ۱۲ - پسر عموی ابی ۱۳ - عموی ابوینی پدر میت ۱۴ - ابی پدر میت ۱۵ - پسر عموی ابوینی پدر میت ۱۶ - پسر عموی ابی پدر میت ۱۷ - عموی ابوینی پدر پدر میت ۱۸ - عموی ابی پدر پدر میت ۱۹ - پسر عموی ابوینی پدر پدر میت ۲۰ - پسر عموی ابی پدر پدر میت ۲۱ - خواهر ابوینی میت که گاهی ذیفروض و گاهی عصبه است که با دختر یا دختر پسر باشد ۲۲ - خواهر ابی میت که وضعیت او هم مثل خواهر ابوینی است ۲۳ - دختر و دختر پسر که با برادران خود باشند ۲۴ - خواهر خواهر شقیقه یا پدری که هر یک با برادر مساوی خود باشد که آنها را عصبه نسبی گویند ۲۵ - آزاد کننده عبد ۲۶ - عصبه بنفسه ذکور آزاد کننده عبد ۲۷ - آزاد کننده آزاد کننده ۲۸ - عصبه بنفسه آزاد کننده آزاد کننده که آنها را عصبه بالالو گویند و در زمان حاضر ردیفهای ۲۵ الی ۲۸ موضوعاً منتفی است ۲۹ بیت المال منظم بعنوان عصبه معرفی شده اند و همانطوریکه موارد اختلاف نسبت بما صدق ذوی الارحام با ماسوای ذوی الارحام بیان شد موارد اختلاف فیما بین فریقین در مورد عصبه نیز بیان میشود .

عصبه در لغت بمعنی تقویت است و در اصطلاح فقهی مذاهب اربعه تسنن از لحاظ وجود تناسب معنی لغوی با اصطلاحی که از محبت و شفقت خویشاوندی بشری وجود تقویت بین آنان مسلم میباشد بر اشخاصی اطلاق میشود که خویشاوندی آنان با میت صرفاً از طرف پدر باشد و برای آنان در نصوص قرآنی و احادیث نبوی دارای سهم معینی از ماترک میت مورث نباشند و بلکه میزان سهم الارث هر یک از آنها همانطوریکه بیان خواهد شد موکول بتعداد و کیفیت اجتماع آنها باشد و این

تعریف منجر میشود باینکه آنها وضعیتی خواهند داشت که یا تمام ترکه (و این در صورتی است که از ذوی الفروض کسی وجود نداشته باشد) و یا مازاد از سهام ذوی الفروض را ارثاً میبرند (و این در صورتی است که از سهام معینه ذوی الفروض از ترکه چیزی باقی بماند) و یا محروم از بردن ارث میشود (و این در صورتی است که با استغراق ترکه در سهام ذوی الفروض چیزی برای عصبه باقی نماند).

دلایل وارث بودن عصبه در مذاهب مذکوره :

۱ - مقدمه آیه یازدهم از سوره مبارکه نساء از قرآن کریم است که میفرماید: (یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین) دوم حدیث شریف نبوی که فرموده اند (الحقوالفرائض باهلها فمابقی فلالولی رجل ذکر) یعنی پس از آنکه در مسائل فرائض سهام ذوی الفروض داده شد آنچه از سهام معینه از آنها باقی میماند برای نزدیکترین مرد مذکر است ۳- جمله (فمابقی فللاخت) از حدیث شریف نبوی (للابنة النصف ولابنة الابن السدس فمابقی فللاخت) یعنی برای دختر نصف و برای دختر پسر سدس (¼) و باقی مانده از آنها برای خواهر است.

۴ - حدیث شریف (الوالاحمة کلحمة النسب) یعنی ولا گوشت پاره ایست مثل گوشت خویشاوندی.

۵ - حدیث شریف (انما الوال لمن اعتق ولمن ینتمی الیه) یعنی حق ولایت برای آزاد کننده عبد است و همچنین حق ولایت برای کسی است که از منسوبین آزاد کننده باشد ۶ - حدیث (انا وارث من لا وارث له اعتق عنه وارثه) یعنی من وارث کسی هستم که وارث نداشته باشد در باره چنین کسی هم دیده جنایت او را میپردازم و هم ترکه او را برای بیت المال میبرم ۷ - حدیث نبوی (نحن معاشر الانبیاء لانورث و ما ترکنا صدقه) یعنی وارثی برای ما طائفه انبیا کسی نیست و آنچه ترکه داشته باشیم صدقه و حق بیت المال است که با توجه دقیق بمعانی هر یک از دلایل فوق و تلفیق آنها با سایر آیات مواریث مخصوصاً آیات مربوطه به ذوی الفروض یعنی ما بعد آیه مزبوره و آیات دوازده و صد و هفتاد و شش از همان سوره و سایر آیات مضبوطه قرآنی مرطه بارت و ملاحظه سهام معینه در قسمت های مربوطه آیات مرقومه که بدون اختلاف بین فریقین عبارت از نصف و ثلث و ثلثان و ربع و سدس و ثمن میباشد و شناسائی صاحبان هر یک از آن سهام در آیات مزبوره و احراز اینکه بموجب مقدمه آیه یازده فوق الذکر که برای اولاد اعم از مذکر و مؤنث در حال اجتماع هر دو صنف

با هم سهم معینی معلوم نشده. و در حدیث مرقوم (الحتوالفرايض باهلها الخ) که در آن هم سهمی معین نگردیده و مسلم بودن اینکه بموجب قسمت اخیر حدیث مزبور (فما بقی فلالخت) در این مورد بخصوص سهم خواهر هم که بموجب آیه کلاله عبارت از خواهر ابوینی و خواهر آبی است معین نیست و عصبه میباشد و محقق بودن اینکه در حدیث مربوط بولاء و دو حدیث مربوط به بیت المال که در هیچیک از آنها هم سهمی معین نیست روشن خواهد شد که اصناف بیست و نه گانه فوق منحصراً مشمول دلائل بالا می باشند چون جز پدر و پدر پدر و خواهر ابوینی و ابی که بشرح فوق دارای دو جنبه ذی فرض و عصبه هستند بقیه فقط از جنبه عصبه بودن یعنی خویشاوندی که از طرف پدر بمورث خود ارتباط و نسبت پیدا میکنند وارث هستند و از اصنافی نیستند که مشمول نصوص مربوط بذوی الفروض باشند و همچنین مثل ذوی الارحام هم نمیباشند که بوسیله اناث بمورث مرتبط و منسوب شوند پس بجهت مزبوره است که مذاهب اربعه در باب ارث برای وارث عناوین سه گانه مذکوره (۱ - ذوی الفروض ۲ - عصبه ۳ - ذوی الارحام) قائل شده است بعکس در مذهب جعفری. ( همانطوریکه در ماده ۸۹۳ و ۸۹۴ قانون مدنی ایران و عبارات فقهی مذهب جعفری مصرح است ) فقط دو عنوان ( ۱ - ذوی الفروض ۲ - قرابت ) برای وارث قائل گردیده است که با توجه بتعریفی که برای دو قسم مزبوره ( صاحبان فرض و قرابت ) در ماده ۸۹۴ مذکور شده است تطبیق آنها با تعریفهایی که در مذاهب اربعه برای هر یک از ذوی الفروض و عصبه و ذوی الارحام بشرح مرقوم در مقالات قبلی شده مسلم است که ما صدق هر یک از آن تعریفها از لحاظاتی که وارث مطلق را شامل گردد یکی است و اختلاف مؤثری متصور نمیشود لکن منشاء اختلاف در این عناوین بشرحی است که در آتی بیان میگردد.

ضمناً متذکر میشود که بعقیده اینجانب تعریف مذکور در ماده ۸۹۴ تقریب ندارد چه آنکه لازمه مقرر داشتن قرابت بعنوان تقسیم ذوی الفروض آنستکه ذوی الفروض دارای قرابت با میت نباشند در صورتیکه بدیهی است وجود قرابت در اکثر ذوی الفروض اولی از وجود قرابت در ماسوای آنست بنا بر این بهتر آنست که عبارت مرقوم از طرف قوه مقننه اصلاح گردد.

اینکه موارد اختلاف بین فریقین در عصبه و ماسوای آن

۱ - عنوان پسر و پسر پسر و برادر شقیق (ابوینی) و ابی و پسران آنان هر قدر رو به پائین تصور شود و عموی ابوینی و ابی میت پسران آنان و عموی ابوینی و ابی پدر میت و پسران آنان و بیت المال در مذاهب اربعه فقط عصبه بنفسه و عنوان آنها و همچنین بقیه وارث (غیر از اصناف مندرجه در مادتين ۸۹۶ و ۸۹۷ قانون مدنی ایران) در مذهب جعفری بشرح مواد مذکوره و ماده ۸۹۸ همان قانون و همچنین بیت المال بشرح ماده ۸۶۹ فقط قرابت است که عنوان بقیه وارث مرقومه اخیر الذکر در مذاهب اربعه بطوریکه سابقاً شرح آن گفته شد ذوی الارحام است. پس در پسر و پسر پسر و برادر شقیق و ابی و پسران آنان و عموی ابوینی و ابی و پسران آنان و ابی پدر میت و پسران آنان و بیت المال از حیث اینکه وراثی هستند که سهم معینی ندارند اختلافی نیست و عنوان عصبه و قرابت در این مورد اختلاف ظاهری و بدون تأثیر است اما اختلاف آنها همانطوریکه مجملاً بیان شد مشروحاً در این است که همانطوریکه عنوان بقیه وارث (غیر از وارث مندرجه در ماده ۸۹۶ و ۸۹۷ قانون مدنی ایران) که عبارتند از جدی که بوسیله اناث بمیت برسد و جده که بین او و جده پائین تر یک مذکر واقع شده باشد و اولاد دختر و دختر برادر اعم از ابوینی و ابی و ابی و همچنین اولاد خواهر چه پدر و مادری و چه پدری و چه مادری باشد و اولاد برادر مادری و عموی مادری و عمه ها و خاله ها و دایه ها و اولاد آنها و دختر عموها و هر شخص دیگر که بوسیله آنها بمیت برسد در مذهب جعفری قرابت و در مذاهب اربعه ذوی الارحام است. در مذاهب اربعه تمام اینها که عنوان ذوی الارحام دارند بهر یک از اشخاصیکه بشرح مرقوم عنوان عصبه داشتند محجوب از ارث میباشند در صورتیکه در مذهب جعفری بشرح مادتين ۸۶۲ و ۸۸۸ قانون مذکور هر یک از اولاد دختر هر قدر پائین تر هم تصور شود اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها و اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها را حاجب است و همچنین بهر یک از جده های مذکوره هر یک از اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها محجوب هستند.

۲ - عنوان پدر و پدر پدر هر قدر رو به بالا تصور شود و دختر و دختر ها و خواهر و خواهرهای ابوینی و ابی که در مذاهب اربعه گاهی عصبه و گاهی

ذی‌فرض هستند در مذهب جعفری هم بشرح ماده ۸۹۷ مذکور که گاهی بفرض و گاهی بقربت ارث می‌برند همانطور است لکن عنوان کلاله امی (برادر و خواهر مادری) در مذاهب اربعه باستناد قسمت مربوطه از آیه ۱۲ از سوره نساء که می‌فرماید (وان کان رجل یورث کلاله او امرئ له وله اخ او اخت فلکل واحد منهما السدس فان کانوا اکثر من ذالک فهم شرکاء فی الثلث)

همیشه ذی‌فرض ولی در مذهب جعفری بشرح همان ماده عنوانش گاهی ذی‌فرض و گاهی قربت است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی